

فلسطین، لبنان، عراق ...

چک سفید به آتش افروزان

از آلن گرش

دانی آلا یون، سفیر اسرائیل در واشینگتن، اخیراً اظهار داشت که حتی اگر ارتش ما به «کشتار جمعی» در لبنان دست زند، ایالات متحده به پشتیبانی از ما ادامه خواهد داد. دولت احوذ اولمرت از پشتیبانی کامل دولت جورج دبلیو بوش برخوردار است. هدف روشن است. نابودی حزب الله حتی به بهای ویرانی لبنان و مجبور ساختن این کشور به امضای صلح جداگانه با اسرائیل. صلحی که به دولت عبری اجازه دهد تا به سیاست استعماری اش در فلسطین ادامه دهد.*فرانسه به نوبه خود، دخالتش را به زمینه انساندوستانه محدود کرده است.

در عراق میلیشیای شیعه ده ها شهروند را با خونسردی به قتل رساندند، زیرا «سنی» بودند. این جنایت از زمان جنگ داخلی لبنان، در سال های ۱۹۷۶-۱۹۷۵ تا کنون، بی سابقه است. در آن زمان، جنگجویان فالانژیست مسلمانان را تنها بخاطر مسلمان بودن به رگبار گلوله می بستند. بنا بر گزارش سازمان ملل متحد، فقط در ماه های مه و ژوئن ۲۰۰۶، در حدود ۶۰۰۰ عراقی کشته شده اند. بار دیگر اما این بار در افغانستان، صدها غیرنظامی، «قربانی جنبی» تهاجم نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحد شدند. هدف از این عملیات جلوگیری از «بازگشت» طالبان است. سوء قصدهای انتحاری که تا بحال در این کشور رخ نداده بود، در حال افزایش است.

در غزه، یک و نیم میلیون فلسطینی در تله ای میان تهاجم ارتش اسرائیل و تصمیم آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد قطع کمک مستقیم به اهالی گرفتار شده اند. و در درگیری های لبنان،

بمباران های بدون مجازات، شهرها و روستاها و تاسیسات کشور را به خاک و خون کشیده و اوضاع این کشور در حال محاصره، ممکن است منطقه را به سوی جنگی سوق دهد که ایران و سوریه نیز به آن کشیده شوند. در حالی که شمال اسرائیل در اثر موشک های حزب الله فلج شده است. بالاخره، بحران هسته ای ایران همچنان ادامه دارد و تهران تهدید می کند که از پیمان منع گسترش سلاحهای کشتار جمعی خارج شود.

ماه ژوئیه ای عادی، سه سال پس از اعلام پایان نبرد در عراق از سوی جورج دبلیو بوش بر روی یک ناو هواپیمابر با جمله کوبنده «ماموریت پایان یافت». در این تابستان ۲۰۰۶، خیمه شب بازی شعبده بازان شاید برق از چشمان می پراند. از سال ۱۹۶۷ به این طرف، خاور نزدیک، هرگز به این اندازه با بحران های داغ و همزمان روبرو نبوده است. اگر چه هر کدام از این بحران ها منطق ویژه خود را دارند، ولی آن ها با هزار و یک رشته به هم مربوطند و در نتیجه موجب میگردند که راه حل های نسبی خروج از آن مشکل تر شده و بر سرعت مسابقه برای اضمحلال سراسر منطقه افزوده شود.

چه کسی آغاز کرده است؟ گویا شماری از ناظرین، قضیه را درک کرده اند. این حزب الله است که نه تنها نابودی اسرائیل را در سر می پروراند، بلکه «فراتر از آن، بی ثباتی اردوگاه غرب را هدف قرار داده است». این سازمان و پشتیبانانش هدفی جز «استقرار دیکتاتوری اسلامی جهانی» (۱) ندارند. چنین تحلیلی که از این پس در جهان رسانه ای و سیاسی غالب است، با نظریه نو محافظه کاران آمریکا همخوانی دارد. به این معنی که یک جنگ جهانی دیگر آغاز شده است.

مایکل لدین، پژوهشگر American Enterprise Institute، این دیدگاه را چنین خلاصه میکند: «این جنگی است که از غزه تا اسرائیل، در لبنان و از آن جا تا عراق با گذشتن از سوریه جریان دارد. از حماس در غزه تا حزب الله در سوریه و لبنان شیوه جنگ متفاوت است، و در عراق نیز به صورت «قیام» چند چهره ظاهر میشود. اما رهبر ارکستر پشت سرهمه این ها یکی است و عبارت است از ملاکراسی، دولت فاشیست و انقلابی ایران که ۲۷ سال پیش، به ما اعلام جنگ کرده است و اکنون باید حساب پس دهد. (۲)»

ویلیام کریستول، یکی از نظریه پردازان اصلی نو محافظه کاران (۳) با غرور میگوید: "It's our war" («این جنگ ماست»). در مقابل آن چه «کارزار عمومی بی ثبات سازی جهان غرب» تلقی میشود، حکومت اسرائیلی اهود اولمرت در «اردوگاه خوب» ها قرار دارد. دربیانیه سران ۸ کشور

بزرگ دنیا موسوم به G8 در پایان نشست سن پترزبورگ، درست هنگامی که لبنان در زیر بمب ها ویران می شد، آمده است که اسرائیل «حق دفاع از خود را دارد». فرانسه نیز آن را امضا کرده است (۴).

چه کسی شروع کرده است؟ در روز ۱۲ ژوئیه، حزب الله در عملیاتی علیه یک گشتی اسرائیل که شش سرباز اسرائیلی در آن کشته شدند، دو سرباز دیگر را به اسارت گرفت. آیا این عمل بمثابة صاعقه ای در آسمان آبی بود؟ یادآوری کنیم که جنگ و گریز ازجمله در حول وحوش مزارع شبعا فراوان اتفاق میافتد که همه اعضای دولت لبنان آنرا به عنوان سرزمین اشغال شده [ازسوی اسرائیل] تلقی میکنند. و نیز اضافه شود که هواپیماهای اسرائیل دائما و بطور روزانه قلمرو هوایی لبنان را مورد تجاوز قرار میدهند؛ و همچنین در ۲۶ ماه مه جاری، اسرائیل یک رهبر جهاد اسلامی را در کشور سدرها به قتل رساند؛ و نیز یادآوری شود که اسرائیل مبارزان لبنانی از جمله سمیر القنطار را از سال ۱۹۷۸، نسیم نصر و یحیی سکاف را از سال ۱۹۸۲ در اسارت خود نگهداشته است.

حقوق بین المللی چه میگوید؟

از سوی دیگر، اگر عملیات حزب اله غیرقانونی تلقی شود، در آن صورت نابودی سازمان یافته لبنان را که هدفش ساختارهای مدنی، شهرها و روستاهای آن کشور بوده و بیش از ششصد هزار نفر را مجبور به ترک خانه هایشان کرده است، چگونه باید ارزیابی کرد؟ در حقوق بین الملل که جامعه بین المللی مرتبا قرقره اش میکند، این اعمال تنها یک نام دارد و آن «جنایت جنگی» است. پروتکل الحاقی I سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون ژنو به روشنی اصل تناسب را بیان کرده است. حملاتی که « بطور تصادفی موجب تلفات جانی اهالی غیرنظامی، زخمی شدن اشخاص غیرنظامی یا موجب خسارت به اموال غیر نظامی گردند ممنوع اند اگر میزان خسارت حاصل از آن ها نسبت به برتری نظامی مشخص طرف مقابل زیاده روی محسوب شود.» (۵) چه کسی میتواند لحظه ای تصور کند که هدف تعیین شده یعنی نجات دو سرباز ارزش ویرانی های متعدد و مرگ افراد در اثر بمباران های اسرائیل را دارد؟ آیا جان یک عرب، یک لبنانی کم ارزش تر از جان یک اسرائیلی است؟

موفقیت این تهاجم اسرائیل زیر سوال است. حزب اله مهم ترین حزب لبنان است و در عمده ترین گروه قومی - مذهبی در کشور یعنی شیعیان ریشه قوی دارد. آنان بخاطر آزادسازی

جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ مورد تمجید همه اهالی هستند و دارای ۱۲ نماینده در پارلمان میباشند. این نیرو همچنین با نیروهای مهم سیاسی نظیر ژنرال میشل اعون، حزب کمونیست، حزب ناسیونال سوسیال سوریه و نیز شخصیت های بارز سنی مثل اوسامه سعد یا عمر کرامی یا مارونیت ها نظیر سلیمان فرنجه ائتلاف دارد.

آنتونی اچ کوردسمن یکی از پژوهشگران بانفوذ مرکز مطالعات استراتژیکی و بین المللی واشینگتن که نمیتوان به او نسبت نزدیکی به اسلام گرا ها داد، اشاره میکرد «تحلیل گران و روزنامه نگاران باید محتاط بوده و در مورد صحبت از نقش ایران در بحران کنونی واقعیت ها را در نظر گیرند. منابع متعددی از جمله افسران و مقامات رسمی اسرائیلی درصددند که از بحران لبنان برای یافتن دلایل جدیدی جهت حمله به ایران استفاده کنند (...). نتیجه این است که سوء ظن ها و حقایق محدود به صورت نظریه های توطئه چینی ظاهر میشود. سرویس های اطلاعاتی آمریکا هیچ مدرکی دال بر سلطه ایران بر حزب اله یا نظارت ایران بر این نیرو ندارند و فقط مدارکی دارند که نشان میدهد که ایران منبع اساسی مالی و تسلیحاتی این حزب است.» (۶)

یکی از اولین هدف های «دفاع از خود» اسرائیل فرودگاه غیرنظامی بیروت بود. تاریخ تکرار میشود. در اواخر سال ۱۹۶۸، در حالی که خاورمیانه هنوز اثرات جنگ ژوئن ۱۹۶۷ را تحمل میکرد، مقاومت فلسطین در حال تجدید سازماندهی بود. جبهه خلق برای آزادی فلسطین (FPLP)، که گروه رادیکالی بود در روز ۲۶ دسامبر ۱۹۶۸، در روی باند فرودگاه آتن به یک هواپیمای شرکت اسرائیلی ال آل حمله کرده و یک افسر بازنشسته کشته شد. یکی از اعضای کماندو اهل لبنان بود و اعلام مسئولیت انجام این عملیات در این کشور صورت گرفت. دو روز بعد، یک کماندوی اسرائیلی سیزده فروند هواپیمای مسافربری را در فرودگاه بین المللی بیروت نابود ساخت.

شورای امنیت باتفاق آراء این عملیات را محکوم و از اسرائیل خواست که خسارت بپردازد که این کشور هرگز به آن تن نداد. فرانسه اعلام کرد که اصل «تلافی جوئی» غیرقابل قبول بوده و ژنرال دوگل تصمیم به تحریم فروش اسلحه به اسرائیل گرفت و از تحویل ۵۰ فروند هواپیمای میراژ که اسرائیل بهایش را پرداخته بود، امتناع کرد. (۷)

در اطلاعیه شورای وزیران فرانسه در روز ۸ ژانویه [۱۹۶۹] آمده است که «ما سوء قصد آتن علیه یک هواپیمای اسرائیلی را با عملیات علیه فرودگاه بیروت مقایسه کردیم. در حقیقت، این

دو عملیات قابل مقایسه با هم نبودند. در آتن، ما یا یک ضرب شست سازمان یافته از سوی مردانی روبرو بودیم که به یک سازمان مخفی تعلق داشتند. در بیروت، عملیات علیه تاسیسات غیرنظامی یک دولت دیگر از سوی دولتی سازماندهی شده بود که از تجهیزات نظامی و بویژه هواپیماهای سوپر-فرلون و آلوت ساخت فرانسه بهره مند بود» (۸). و پاریس بدون هیچ تردیدی، نفوذ اسرائیل در محافل اطلاعاتی خودی را افشا کرد. در آن زمان، گلیسم رک گو نیز بود.

ما وارد چهلمین سالگرد اشغال غزه، کرانه باختری و بیت المقدس شرقی شده ایم. البته نباید جولان سوریه را فراموش کرد. به رغم قطعنامه های بیشمار شورای امنیت سازمان ملل متحد، به رغم بیانات تسکین دهنده - «نقشه راه» مصوبه ایالات متحده، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل که بر ایجاد دولت فلسطین پیش از پایان سال ۲۰۰۵ تاکید میکرد - ، همه چیز در فلسطین رو به وخامت گذاشته است.

در سال ۲۰۰۵، هیچ واقعه مثبتی رخ نداد. در حالی که دولتمردان تل آویو دائما تکرار میکردند که یاسر عرفات «مانعی برای صلح» است، در گذشت او و جایگزینی اش توسط محمود عباس (ابو مازن) مانع شارون در اجرای سیاست «یک جانبه» اش نشد. عقب نشینی از غزه، در تابستان ۲۰۰۵ که مسئولان سیاسی و رسانه ها از آن به عنوان «یک عمل شجاعانه» یاد کردند، ضربه کاری بر آن چه از پیمان اسلو باقی مانده بود، وارد کرد. اصلی که بنا بر آن، صلح از مذاکرات دوجانبه حاصل میشود. برای فلسطینی ها، تخلیه غزه نه تنها وضع زندگی آنان را بهبود بخشید بلکه نتیجه عکس داد. (به مقاله «در غزه، جهان بر روی ما بسته میشود» در همین شماره لوموند دیپلماتیک، مراجعه کنید)

در حالی که ایجاد شهرک های یهودی نشین استعماری در کرانه باختری به شدت ادامه دارد (به مقاله «کرانه باختری، «شرق وحشی» سرمایه داری اسرائیل» نوشته الغازی مراجعه کنید) و در حالی که «روند صلح» به جمله ای در اطلاعیه های «جامعه بین المللی» محدود شده است، در ژانویه ۲۰۰۶، حماس در انتخابات پیروز شد. واقعا باید دچار حیرت شد؟ اما، مردم فلسطین بخاطر دادن «رای بد» مجازات شدند و از جمله از سوی اتحادیه اروپا که با تائید فرانسه، تشکیلات خودگردان فلسطین را از کمک های مستقیم محروم ساخت و از این طریق موجب فروپاشی بیش از پیش شرایط مادی مردم و موسسات فلسطینی گردید.

اما راکت هائی که از غزه بسوی سدروت پرتاپ میشود؟ گیدئون لوی روزنامه نگار اسرائیلی در روزنامه هآرتص سوال میکند: «اگر فلسطینی ها موشک قسام پرتاب نکرده بودند، چه اتفاقی میافتاد؟ آیا اسرائیل محاصره اقتصادی غزه را می شکست؟ آیا اسرائیل زندانیان را آزاد میکرد؟ آیا اسرائیل با رهبران منتخب فلسطینی ملاقات میکرد و مذاکره را از سر میگرفت؟ این عین بلاهت است ... اگر اهالی غزه برطبق امیال اسرائیل آرام میماندند، آرمان آنان از تقویم زدوده میشد هم در اینجا و هم در بقیه جهان. (...) اگر آنان به خشونت دست نمیزدند هیچکس نگران سرنوشت مردم غزه نمیشد. (۹)»

روز ۲۷ ژوئن، پس از تنش های بسیار، همه سازمان های فلسطینی (به استثنای جهاد اسلامی) متنی را امضا کردند که فراخوانی است برای راه حلی سیاسی برپایه ایجاد دولت فلسطین در کنار دولت اسرائیل و عملیات مقاومت مسلحانه را به سرزمین های اشغالی محدود می کند. این توافق راه را بر ایجاد دولت وحدت ملی قادر به پیش بردن مذاکرات صلح هموار میکرد. فردای آن روز، ارتش اسرائیل به بهانه گروگان گیری یکی از سربازانش به غزه حمله کرد، ولی هدف واقعی نابودی حماس بود. (۱۰)

در اینجا نیز عملیات اسرائیل شامل بمباران نیروگاه های برق و وزارت خانه ها و دستگیری رهبران سیاسی و ویران ساختن خانه ها، استفاده از غیرنظامیان به مثابه سپر بلا بود (۱۱)، این عملیات «جنایت جنگی» میباشند. دولت سوئیس، حافظ کنوانسیون های بین المللی در مورد حقوق انسانی در ۴ ژوئیه یادآوری کرد که «تردیدی نیست که اسرائیل احتیاط لازم را برای حفاظت اهالی غیرنظامی و زیر ساخت ها بکار نبرده است.»

چه در جنگ علیه فلسطینیان، چه درجنگ علیه لبنان، هر دوتجاوز از استراتژی واحدی تبعیت میکند، و آن تنها عبارت است از تحمیل «راه حلی» مطابق با منافع اسرائیل. هرگز، از چهل سال پیش به این سو، سیاست اسرائیل از چنین پشتیبانی وسیع غربی برخوردار نبود. صداهای رسمی مخالف کمتر به گوش میرسد اگر واتیکان را استثنا کنیم.

یک بار دیگر، جهان عرب ناتوانی خود را به نمایش میگذارد. کشورهای عرب متحد آمریکا از اعمال فشار بر واشینگتن عاجز بودند. آن ها به این قناعت کردند که حزب اله و حماس را تقبیح کنند و بدین ترتیب بر عملیات اسرائیل صحنه گذاشتند، اهمیت دارد که بر این موضع گیری انگشت گذاشته شود. .. سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی، از طرف های غیر

عرب خواسته است که از این کشمکش دور بمانند. طبیعی است که منظور او نه ایالات متحده بلکه ایران است...

همانطوری که عبد الوهاب بدرخان ، سرمقاله نویس روزنامه پان عرب الحیات یادآوری میکند «همه اعراب، از اقیانوس اطلس تا خلیج [فارس] میدانند که صلح کاملاً مرده است و یک، دو، هزاران بار اعراب را فریب داده اند. آنان نمیدانند چگونه از این مردابی که در آن غرق شده اند ، بیرون بیایند. لذا، چه بخواهیم و چه نخواهیم، حرف آخر از آن کسانی است که از نگاه ما «افراطی» یا «ماجراجو» (۱۲) تلقی میشوند. حماس در سال ۱۹۸۷ و بدنبال بیست سال اشغال گری اسرائیل در غزه ایجاد شد و با اولین انتفاضه همراه گردید؛ حزب اله در بستر مبارزه علیه اشغالی که حاصل تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ بود، بوجود آمد. از ویرانی های کنونی لبنان، کدام سازمان خشن ، چشم به جهان خواهد گشود؟

* به مقاله زیر در همین شماره لوموند دیپلماتیک مراجعه کنید:

کرانه باختری، «شرق وحشی» سرمایه داری اسرائیل، از قاضی الغازی

پاورقی ها :

۱ - به مقاله «جی ۸، آف ساید» نوشته ژرار دوبوئی در لیبراسیون، ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۶ مراجعه کنید.

۲ - NationalReview on line, ۱۳ juillet ۲۰۰۶.

۳ - Weekly Standard, Washington, ۲۴ july, ۲۰۰۶.

۴ - به مقاله «صدای مغشوش فرانسه» نوشته آلن گرش، لوموند دیپلماتیک ژوئن ۲۰۰۶ مراجعه کنید.

۵ - Crimes de guerre. Ce que nous devons savoir, Autrement, Paris, ۲۰۰۲.

۶ - www.csis.org/media/isis/pubs/hezbollah.pdf

۷ - Xavier Baron, Les palestiniens, un peuple, Le Sycomore, Paris.

۸ - این مطلب از سوی سامی کوهن در کتاب « دوگل، گلیسم و اسرائیل » از انتشارات مورو، پاریس، سال ۱۹۷۴، صفحه ۱۳۴ نقل شده است.

۹ - روزنامه هآرتص، ۹ ژوئیه ۲۰۰۶.

۱۰ - یادآوری کنیم که حماس از فوریه ۲۰۰۵ تا ۱۰ ژوئن ۲۰۰۶، آتش بس با اسرائیل را رعایت کرد. بدنبال قتل های هدف گیری شده متعدد و کشتار یک خانواده فلسطینی در ده ژوئن ۲۰۰۶، در ساحل غزه از سوی ارتش اسرائیل، حماس آتش بس را شکست.

۱۱ - به گزارش سازمان اسرائیلی بت سلم www.btselem.org/english مراجعه کنید.

۱۲ - روزنامه النهار، چاپ بیروت، ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۶.

لوموند دیپلماتیک، اوت ۲۰۰۶.

ترجمه بهروز عارفی

